

کتاب یوشع

درس
چهارم

وفاداری به عهد



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: کتاب یوشع (درس شماره ۴: وفاداری به عهد)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) هشدارهای عهدی

ساختار و محتوا

احضار از سوی یوشع

سخنرانی یوشع

معنای اصلی

اقتدار الهی

عهد خدا

معیار شریعت موسی

قدرت خارق‌العاده خدا

همه اسرائیل

(۳) تجدید عهد

ساختار و محتوا

احضار

سخنرانی و پاسخ‌ها

آیین تقدیس

مرخص‌سازی

معنای اصلی

اقتدار الهی

عهد خدا

معیار شریعت موسی

قدرت خارق‌العاده خدا

همه اسرائیل

(۴) کاربرد مسیحی

تاسیس

تداوم

تکمیل

(۵) نتیجه‌گیری

(۶) واژه‌نامه

وفاداری به عهد

مقدمه

تصور کنید در حال تماشای یک نمایش هستید که در آن یک شخصیت، تقریباً در هر صحنه نقش اصلی را ایفا می‌کند. واضح است که آنچه این بازیگر در داستان انجام می‌دهد، اهمیت زیادی دارد. اما در پرده آخر، او در مرکز صحنه می‌ایستد و اهمیت بنیادین کل نمایش را برای مخاطبانش توضیح می‌دهد. از بسیاری جهات، این همان چیزی است که در کتاب یوشع اتفاق می‌افتد. یوشع نقشی اصلی را در سرتاسر کتاب دارد. و هرآنچه انجام می‌دهد، مهم است. اما در آخرین صحنه‌ها، او دو سخنرانی انجام می‌دهد که نویسنده ما از آنها جهت آشکارسازی اهمیت کل کتاب برای قوم اسرائیل استفاده کرد. این چهارمین درس از مجموعه دروس ما درباره «کتاب یوشع» است و این درس را وفاداری اسرائیل به عهد نامیده‌ایم. در این درس بررسی می‌کنیم که چطور سومین و آخرین بخش از کتاب یوشع، اهمیت کتاب ما را با فراخوانی اسرائیل به وفاداری نسبت به شرایط عهدشان با خدا آشکار می‌سازد. پیش‌تر در این مجموعه دروس، گفتیم که معنای اصلی کتاب یوشع را می‌توان به این شکل خلاصه کرد:

کتاب یوشع در مورد فتح پیروزمندانه، میراث سبطی، و وفاداری اسرائیل به عهد در روزگار یوشع نوشته شد تا به چالش‌های مشابهی بپردازد که نسل‌های بعد با آن روبرو می‌شدند.

این کتاب در اصل برای راهنمایی اسرائیلیان عهد عتیق نوشته شد که در دوره داوران، طی دوران پادشاهی، و یا در دوره‌ای به دیرنگامی تبعید بابل زندگی می‌کردند. کتاب یوشع به مسائلی از قبیل این می‌پردازد که مخاطبان اولیه باید چه رویکردی به دشمنان‌شان، وطن‌شان، و امتیازات و مسئولیت‌های‌شان به عنوان قوم عهدی خدا داشته باشند.

همانطور که در درس‌های پیشین آموختیم، نویسنده ما برای نیل به این هدف کتاب خود را به سه بخش عمده تقسیم کرد. در باب‌های ۱-۱۲ او بر فتح پیروزمندانه اسرائیل تمرکز کرد. در باب‌های ۱۳-۲۲ او توجه خود را به میراث سبطی اسرائیل معطوف ساخت. و در باب‌های ۲۳-۲۴ تمرکز خود را بر وفاداری اسرائیل به عهد قرار داد. ما در این درس به این آخرین بخش عمده نگاهی خواهیم داشت.

سومین بخش عمده کتاب یوشع از دو بخش اصلی و یک خاتمه تشکیل می‌شود. این بخش با یک سخنرانی در ۱:۲۳-۶ آغاز می‌شود که یوشع اسرائیل را مخاطب هشدارهای عهدی قرار داد. سپس در ۱:۲۴-۲۸

به سراغ دومین سخنرانی می‌رود که در یک آیین تجدید عهد ایراد می‌شود و سپس به دنبال آن در آیات ۲۹-۳۳ خاتمه‌ای مختصر وجود دارد که از مرگ یوشع و چندین رویداد بعدی گزارش می‌دهد.

درس ما درباره وفاداری اسرائیل به عهد، در سه مرحله به این باب‌های پایانی نگاه خواهد کرد. نخست به هشدارهای عهدی یوشع در سخنرانی اولیه او، و سپس به تجدید عهد اسرائیل نگاه می‌کنیم که شامل چند توضیح و تفسیر نیز خواهد بود. در نهایت، به بررسی کاربردهای مسیحی از این بخش کتاب‌مان خواهیم پرداخت. بیایید با هشدارهای عهدی یوشع شروع کنیم.

هشدارهای عهدی

تمام کسانی که با کتاب مقدس آشنایی دارند، می‌دانند که هم نویسندگان عهد عتیق و هم نویسندگان عهد جدید، بارها به مخاطبین خود هشدار می‌دهند که علیه خدا سرکشی نکنند. اما بسیار از اوانجلیکال‌ها به راحتی چنین هشدارهایی را با اندیشه کتاب مقدسی «عهد» مرتبط نمی‌دانند. در مقابل، ما بیشتر مایلیم که عهدهای خدا را صرفاً به برکات او ربط بدهیم. حال، ما در این مجموعه دروس دیدیم که نویسنده کتاب یوشع اغلب توجهات را به سمت مهربانی خدا جلب می‌کند که از طریق عهد خود به آنها نشان داد. اما همانطور که به زودی خواهیم دید، باب ۲۳ کتاب ما توجهی ویژه به هشدارها درباره داوری‌ای نشان می‌دهد که در صورت تخطی قوم خدا از عهد او شامل حالشان خواهد شد.

ما با استفاده از الگویی آشنا، به بررسی هشدارهای عهدی یوشع می‌پردازیم. نخست، ساختار و محتوای این بخش را در نظر می‌گیریم. و دوم، درباره معنای اصلی آن، یا چگونگی طراحی آن برای تاثیر بر مخاطب اولیه تامل می‌کنیم. بیایید با ساختار و محتوای این باب شروع کنیم.

ساختار و محتوا

به یاد دارید که یوشع، فرمانده فتح اسرائیل به سوی مرکز کنعان بود و لشگرکشی‌های بزرگی در جنوب و شمال انجام داد. او همچنین همزمان با اینکه اسباط اسرائیل را برای سکونت در سهم میراثی‌شان - هم در ماوراءالنهر و هم کرانه باختری - فرستاد، اتحاد آنان را نیز حفظ کرد. اما نویسنده ما در این نقطه از کتاب، توجه خود را بر گردهمایی‌ای متمرکز کرد که یوشع احتمالاً در شیلو، در قلمرو افرایم، برگزار کرد. اسرائیل در آنجا گرد آمد تا تعالیمی حیاتی از یوشع بشنود.

در راستای اهداف درسی‌مان، مفید است که در دو مرحله به این باب نگاه کنیم، که با احضار از سوی یوشع در ۲۳: ۱-۲ الف آغاز می‌شود.

احضار از سوی یوشع

مهم است به یاد داشته باشیم که کتاب یوشع به چندین زمان دیگر هم اشاره دارد که او اسرائیل را گرد آورد. اما شرح احضار مذکور نشان می‌دهد که نویسنده ما این گردهمایی را بسیار مهم‌تر از اجتماعات قبلی یوشع می‌داند.

در وهله اول، نویسنده ما در ۲۳:۱ اشاره کرد که «یوشع پیر و سالخورده شده بود.» حال، همین عبارت در ابتدای بخش دوم کتاب ما در ۱۳:۱ نیز به چشم می‌خورد، اما در اینجا یک توضیح اضافی می‌بینیم که «روزهای بسیار» گذشته بود. و باز در همین راستا، یوشع سخنرانی خود را در ۲۳:۲ آغاز می‌کند و می‌گوید: «من پیر و سالخورده شده‌ام.» و در آیه ۱۴، حتی اضافه کرد که «اکنون زمان مرگ من رسیده است» (ترجمه شریف). تاکید نویسنده ما بر سالخوردگی یوشع نشان می‌دهد که این گردهمایی یکی از آخرین کارهای او به عنوان راهبر اسرائیل بود. درست به شباهت مردمان امروزی که توجه ویژه‌ای به آخرین سخنان یک فرد رو به احتضار نشان می‌دهند، هر اسرائیلی وفادار در میان مخاطبین اولیه نیز درک می‌کرد که این، رویداد بسیار مهمی بود.

در وهله دوم، ۲۳:۲ همچنین متذکر می‌شود که «یوشع جمیع اسرائیل را با مشایخ و رؤسا و داوران و ناظران ایشان» احضار کرد. دقت کنید که یوشع، کاهن اعظم و یا حتی لاویان بلندپایه‌ای که عمدتاً از مردم عادی اسرائیل جدا بودند را مخاطب قرار نداد. بلکه در عوض، او «جمیع اسرائیل» را از طریق انواع راهبرانی مخاطب ساخت که در تماس مکرر با مردم بودند. این مسئولیت «مشایخ و رؤسا و داوران و ناظران» بود که آنچه یوشع در شرف بیان آن بود را اجرا کنند. بنابراین، می‌بینیم که در این گردهمایی، یوشع مسائلی را مطرح کرد که بر هر اسرائیلی، هر روزه و در هر حوزه‌ای از زندگی تاثیر می‌گذاشت.

اما چه چیزی درباره این گردهمایی اهمیت فراوان داشت؟ پاسخ به این پرسش را در دومین مرحله از باب ۲۳ و در سخنرانی یوشع می‌یابیم. از بخش دوم آیه ۲ تا ۱۶، یوشع به اسرائیل علیه تخطی از عهد خدا هشدار داد.

سخنرانی یوشع

ما در جای دیگری با جزئیات بیشتر درباره عهدهای الهی صحبت کردیم. اما به طور خلاصه، عهدهای الهی خط مشی‌های بنیادین اداره‌گری که خدا برای پادشاهی خود مقرر ساخته را آشکار می‌کنند. ما می‌توانیم پویایی این خط مشی‌های عهدی را در سه گروه عمده جای بدهیم: سخاوتمندی الهی، وفاداری انسان، و پیامدهای برکات و لعنت‌ها.

وقتی ما از سخاوتمندی الهی صحبت می‌کنیم، منظورمان این است که چطور لطف خدا آغازگر و حافظ تمام عهدهای اوست. افراد بشر هرگز قادر نبوده‌اند که با شایستگی یا توانایی خود یک رابطه عهدی را با خدا آغاز کنند یا آن را تداوم ببخشند. سخاوتمندی الهی همیشه ضرورت دارد. در عین حال، عهدهای الهی همچنین انتظار

وفاداری انسان را به عنوان پاسخ قدرشناسانه ما به سخاوتمندی خدا ایجاد می‌کند. همیشه به انسان‌ها گفته شده که در پرتو آنچه خدا برای آنها انجام داده است، خدمت وفادارانه خود را به خدا تقدیم کنند. و در کلام خدا، عهدهای او همچنین شامل پیامدهای برکت و نفرین نیز هستند. و در کتاب مقدس، وقتی قوم خدا به او وفادار هستند و فرامین او را به جا می‌آورند، برکات بی‌شمار او را دریافت می‌کنند. اما اگر وفادار نباشند و از فرامین او امتناع کنند، لعنت‌های او را تجربه خواهند کرد.

حال، نویسندگان کتاب مقدس اشاره کرده‌اند که این پویایی اغلب به شیوه‌هایی آشکار می‌شود که برای انسان غیر قابل درک است. شکیبایی و بخشش خدا، و همچنین شدت و غضب او اغلب باعث شگفت‌زدگی ما می‌شود چون راه‌های او بسیار فراتر از ظرفیت درک ما هستند. اما نویسندگان کتاب مقدس بارها و بارها به ما اطمینان می‌دهند که خدا نسبت به شروط عهد خود صادق است و آنها را با نیکویی، دانش، و حکمت بی‌نظیر خود اجرا می‌کند. همانطور که به زودی خواهیم دید، سخنرانی یوشع در باب ۲۳ مستقیماً به هر سه پویایی عهد اشاره می‌کند. اما به طور عمده، یوشع بر هشدارهایی تأکید کرد که موضوع آنان مربوط به لعنت‌هایی می‌شد که در اثر عدم وفاداری آشکار به خدا، گریبان‌گیر اسرائیل می‌شد.

وقتی که یوشع در باب ۲۳ با مردم صحبت می‌کند، در ۱۶ آیه اول درباره هشدارهای عهد صحبت می‌کند. یوشع به آنها درباره فرمان الاهی برای وفاداری یادآوری می‌کند. تمام کتاب درباره خدای عهد صحبت کرده؛ درباره سخاوتمندی این خدا صحبت کرده است، خدایی که در نبرد می‌جنگد، خدایی که پیروزی می‌بخشد، خدایی که توجه و مراقبتش را بر آنها می‌باراند، خدایی که الطافش را بر آنها می‌باراند، اما از همه مهم‌تر، خدایی که از ما می‌خواهد تا وفادار باشیم. بنابراین، یوشع به قوم از اطاعت و درباره پیامدهای اطاعت و عدم اطاعت می‌گوید. درست مانند هر عهد دیگری، این عهد هم نه فقط شامل پادشاه قدرتمندی می‌شود که با شاه ضعیف‌تر عهد می‌بندد، و نه فقط سخاوتمندی آن پادشاه مقتدر، بلکه همچنین شامل فرمان به وفاداری ما و پیامدهای اطاعت و عدم اطاعت، وفاداری و عدم وفاداری نیز می‌شود. یوشع بعد از نوشتن یک کتاب کامل در مورد عظمت خدا – خدای عهد که همه چیز را انجام می‌دهد، نه چون ما لیاقت آن را داریم بلکه چون او با ما عهد بسته – به قوم هشدار داد تا فراموش نکنند که ما هم باید به آن خدا وفادار باشیم.

– شبان‌آرنان کروزر

اگرچه به احتمال زیاد یوشع سخنان بسیار بیشتری در چنین گردهمایی مهمی گفته است، اما نویسنده سخنانی او را در سه بخش خلاصه کرده است. هر بخش با یک یادآوری از سخاوتمندی الاهی آغاز می‌شود، و با تمرکزی بر وفاداری به عهد، پیامدهای عهد، و یا هر دو ادامه پیدا می‌کند.

یوشع ۲۳: ۲-۸. اولین بخش در ۲۳: ۲-۸ با دو مثال از سخاوتمندی خدا نسبت به اسرائیل آغاز می‌شود. در آیه ۳ یوشع به اسرائیل یادآوری کرد که فتح پیروزمندانه آنها از آن جهت بود که «یهوه، خدای شما... برای شما جنگ کرده است.» و یوشع در آیه ۴ یادآور شد که خود خدا به طوایفی که باقی مانده بودند «قرعه تقسیم» کرد تا «میراث اسباط» آنها باشند.

یوشع سپس به الزام وفاداری قدرشناسانه اسرائیل از خدا می‌پردازد. او در آیه ۶ اسرائیل را فرا خواند تا «بسیار قوی باشید و... هرچه در سفر تورات موسی مکتوب است، نگاه دارید.» این کلمات یادآور فرامین خدا به یوشع در ۱: ۷ بودند. اما پس از این سخنان آشنا، یک فراخوان به نوع ویژه‌ای از خدمت وفادارانه می‌یابیم. برای اولین بار در این کتاب می‌شنویم که یوشع اسرائیل را فرا می‌خواند تا از بت‌پرستی کنعانی و اعمال فاسد جوامع بت‌پرست کنعانی دوری کنند. او در آیه ۷ گفت: «به این طوایفی که در میان شما باقی مانده‌اند داخل نشوید، و نام‌های خدایان ایشان را ذکر ننمایید، و قسم نخورید و آنها را عبادت ننمایید.» در مقابل، یوشع در آیه ۸ به اسرائیل گفت: «به یهوه خدای خود بچسبید.»

لازم به ذکر نیست که ممنوعیت بت‌پرستی توسط یوشع نکته جدیدی نبود. بلکه یادآور دو فرمان اول از ده فرمان و بسیاری از متون دیگر در تورات بود که در مورد تاثیرات فاسد خدایان دروغین هشدار می‌دادند. اما نویسنده با طرح دوباره آن در اینجا روشن ساخت که این موضوع، به ویژه در رابطه با همه مطالبی که در باب‌های پیشین کتابش نوشته بود، اهمیت دارد. با توجه به تمام آنچه که خدا تحت راهبری یوشع برای قوم خود انجام داده بود، اسرائیلیان موظف بودند که به خدایان دیگر روی نکنند.

یوشع ۲۳: ۹-۱۳. دومین بخش از سخنرانی یوشع در ۲۳: ۹-۱۳ نیز با سخاوتمندی خدا آغاز می‌شود. در آیه ۹ یوشع به اسرائیل یادآوری کرد که «خداوند طوایف بزرگ و زورآور را از پیش روی شما بیرون کرده است.» و در آیه ۱۰ چنین گفت که «یهوه، خدای شما، اوست که برای شما جنگ می‌کند.»

سپس در آیه ۱۱، مانند بخش اول، یوشع اسرائیل را فرا خواند تا با وفاداری پاسخ بدهند. او آنها را نصیحت کرد که «خدای خود را محبت نمایید.» یوشع در اینجا به تثبیه ع: ۵ اشاره کرد که بزرگترین در میان همه فرامین بود. این آیه آشنا می‌گوید: «یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما.» در هر دو کتاب تثبیه و یوشع، محبت کردن به خدا به معنای سرسپردگی کامل و انحصاری به خداوند، و نه هیچ خدای دیگری، بود.

اما یوشع در این بخش از سخنرانی خود، یک قدم پیش‌تر رفت. او برای اینکه نشان بدهد چقدر حفظ این سرسپردگی انحصاری ضرورت دارد، به اسرائیل درباره پیامد شدید لعنت‌های ناشی از عدم وفاداری به خدا، هشدار داد. همانطور که او در آیات ۱۲ و ۱۳ بیان می‌کند، «اگر... با بقیه این طوایفی که در میان شما مانده‌اند بچسبید و با

ایشان مصاهرت نمایند، و به ایشان درآید و ایشان به شما درآیند، یقیناً بدانید که یهوه خدای شما این طوایف را از حضور شما دیگر بیرون نخواهد کرد.» و سپس اضافه می‌کند که «بلکه برای شما دام و تله... خواهند بود، تا وقتی که از این زمین نیکو که یهوه خدای شما، به شما داده است، هلاک شوید.» علیرغم همه آنچه که خدا برای آنها انجام داده بود، اگر اسرائیل از راه کنعانیان که در سرزمین وعده باقی مانده بودند پیروی می‌کرد، تحت داوری شدید خدا قرار می‌گرفت.

از بسیاری جهات، این تمرکز انحصاری بر لعنت، غیر عادی است. در متونی مانند خروج ۱۹: ۴-۶ ما صرفاً پیامدهای مثبت برکات آینده را می‌بینیم. در متون دیگر مانند تثنیه ۲۸ و ۳۰: ۱۵-۱۹ ارائه برکت و خطر لعنت در کنار یکدیگر قرار دارند. اما یوشع در این بخش از سخنرانی خود، تنها به پیامد لعنت‌ها در آینده اشاره کرد.

یوشع ۲۳: ۱۴-۱۶. یوشع در سومین بخش از سخنرانی خود، در ۲۳: ۱۴-۱۶، بار دیگر با سخاوتمندی خدا شروع می‌کند. در آیه ۱۴ می‌خوانیم: «یک چیز از تمام چیزهای نیکو که یهوه، خدای شما درباره شما گفته است به زمین نیفتاده، بلکه همه‌اش واقع شده است.» این بیانیه به ۲۱: ۴۵ اشاره دارد که نویسنده ما تایید مشابهی انجام داد. اما در این بخش سوم، یوشع از مطالبه وفاداری رد شد و در عوض بلافاصله نسبت به پیامدهای شدید تخطی از عهد به اسرائیل هشدار داد. در ۲۳: ۱۵، او تأکید که «خداوند همه چیزهای بد را بر شما عارض خواهد گردانید، تا شما را از این زمین نیکو که یهوه، خدای شما به شما داده است، هلاک سازد.» همانطور که قسمت‌هایی مانند باب ۲۶ لاویان و باب‌های ۴ و ۲۸ تثنیه تعلیم می‌دهند، سرکشی علیه خدا به نابودی اسرائیل و یک دوره تبعید از سرزمین وعده منجر می‌شد.

تصادف موجود در میان این بخش‌ها، تأکید اصلی یوشع در این سخنرانی را نشان می‌دهد. نخست و مهم‌تر از همه، او می‌خواست به اسرائیل در مورد لعنت‌هایی که در صورت ناسپاسی از محبت‌های خدا گریبانگیر آنها می‌شد، هشدار بدهد. حال مهم است که توجه داشته باشیم که تهدید یوشع نسبت به این پیامدهای وحشتناک، برای قصورهای کوچک نبود. او در ۲۳: ۱۶ به اسرائیل هشدار داد که «از عهد یهوه خدای خود» تجاوز نکنند و «خدایان دیگر را عبادت» نکنند. عبارت «تجاوز» در اینجا ترجمه واژه عبری آبار (abar - אָבָר) است. نویسنده ما این اصطلاح را برای خطایا و جرایمی جدی و خیانت‌بار، مانند مورد عخان در ۷: ۱۰، ۱۵ محفوظ نگه داشت. آنچه یوشع در نظر داشت، صرفاً نقص‌ها یا لغزش‌های کوچک نبودند. بلکه منظور او ارتداد در حد بت‌پرستی یا آنطور که در این آیه بیان می‌کند، گناه ویرانگر خدمت به دیگر خدایان بود.

حتی از متن ۲۳: ۱۶ مشخص است که او به مردم هشدار می‌دهد که نباید بروند و به خدایان دیگر خدمت کنند. بنابراین، در این مورد، تجاوز از عهد خداوند می‌توانست شامل شکستن دو فرمان اول باشد که در نتیجه موجب شکستن عهد می‌شد. و این همان چیزی است که موسی در برکات و لعنت‌های عهد در باب ۲۶ لایوان به قوم هشدار داد که انجام ندهند، و همان چیزی است که در بخش‌هایی مانند تثنیه ۴: ۲۵-۳۱ و تثنیه ۲۸-۳۲ از آنها خواسته که انجام ندهند. و بنابراین، یوشع به دستورالعمل‌های معلم خود، موسی، ادامه می‌دهد. و او قوم را ترغیب می‌کند - حالا که به سرزمین‌شان رفته‌اند و آنجا را تحت تسلط خود در آورده‌اند - که فرامین را زیر پا نگذارند و در نتیجه، از عهد خداوند تجاوز نکنند. و موسی هشدار داده بود که چه اتفاقی خواهد افتاد: اگر این کار را می‌کردند، از سرزمین‌شان تبعید می‌شدند. و بدین ترتیب، از یک منظر، یوشع آنها را ترغیب می‌کند که با حفظ عهد، حیاتی طولانی در آن سرزمین داشته باشند.

- دکتر جیمز همیلتون

با در نظر داشتن ساختار و محتوای اساسی هشدارهای یوشع، اکنون در موقعیتی هستیم که معنای اصلی این باب را در نظر بگیریم.

معنای اصلی

به طور کلی، تصور تأثیری که نویسنده کتاب یوشع امید داشت تا این باب بر مخاطبانش بگذارد، دشوار نیست. همزمان با دوره داوران، اسرائیل تجربه لعنت‌های عهد را شروع کرده بود، چون به بت‌پرستی کنعانی کشیده شده بودند. در برهه‌های مختلف زمانی طی دوره پادشاهی، پیامدهای بدتری نیز به دلیل مشارکت اسرائیل در پرستش بعل و خدایان دیگر، گریبان‌گیر آنها شد. و البته، تبعید بابلی نیز در نهایت همانطور که یوشع گفته بود، به سراغ اسرائیل آمد. بنابراین نویسنده ما به جای آنکه به مخاطبین خود اجازه بدهد تا شرایط مشکل‌شان را ناشی از عدم وفاداری خدا به قومش بدانند، صریحاً به مخاطبین اولیه خود گفت که آزمایشات آنها نتیجه قصورشان در وفاداری به خدا بود.

نویسنده ما برای اقناع مخاطبانش نسبت به مسئولیت آنها در قبال شرایطشان، پنج مضمون اصلی که در سرتاسر کتاب او شاهد بوده‌ایم را، در هشدارهای عهدی خود گنجانید.

اقتدار الهی

در وهلهٔ اول، نویسندهٔ ما در احضار از سوی یوشع، اقتدار الهی در پس گردهمایی را آشکار ساخت. او در ۲۳:۲ الف، اشاره کرد که این «یوشع» بود که قوم را احضار کرد. همانطور که می‌دانیم، نویسندهٔ ما به دفعات تأکید کرد که خدا به یوشع اجازه داد تا جانشین موسی باشد. بنابراین، نویسنده با بیان اینکه یوشع بود که قوم را احضار کرد و سپس باز یوشع بود که در آیات ۲-۱۶ سخنرانی کرد، بر اقتدار الهی در پس هر دو واقعه تأکید کرد. همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، این باب از کتاب ما نقطه نظری ارائه داد که پذیرش آن برای بسیاری از مخاطبین اولیه دشوار بود. بسیاری از آنها نمی‌خواستند مسئولیت پیامدهای قصور خود در وفای به عهد را بپذیرند. بنابراین، نویسندهٔ ما با بیان اینکه خود یوشع این سخنان را گفته است، مخاطبین اولیهٔ خود را به سکوت وا داشت.

عهد خدا

در وهلهٔ دوم، جای تعجب نیست که هشدارهای عهدی در سخنرانی یوشع به مضمون عهد خدا اختصاص پیدا کرده‌اند. نویسنده در ۲۳:۴، هنگامی که کرانهٔ باختری را «میراث» اسرائیل توصیف کرد، به عهد خدا اشاره داشت. به یاد دارید که اصطلاح عبری برای «میراث» - (נַחֲלָה - nachalah) - نشان‌دهندهٔ سرزمین وعده داده شده به واسطهٔ سوگند یا عهدی با پاتریارک‌ها در متونی مانند پیدایش ۱۵:۱۸ است. همچنین باید به یاد بیاوریم که در ۲۳:۱۶، یوشع سخنرانی خود را با هشدار به اسرائیل خلاصه کرد که «از عهد یهوه، خدای خود، که به شما امر فرموده است» تجاوز نکنند.

تمرکز نویسندهٔ ما بر مضمون عهد خدا، مخاطبین اولیهٔ او را به قدردانی از سخاوتمندی‌های بسیاری دعوت می‌کرد که خدا به آنها و اجدادشان نشان داده بود.

معیار شریعت موسی

در سومین وهله، هشدارهای عهدی یوشع همچنین از راه‌های مختلف بر اهمیت معیار شریعت موسی تأکید کرد. یوشع در سخنرانی خود، در ۲۳:۶ به اسرائیل دستور داد تا «هر چه در سفر تورات موسی مکتوب است، نگاه دارید.» در ۲۳:۱۱، هنگامی که یوشع به اسرائیل فرمان داد که «یهوه خدای خود را محبت نمایید»، آن را از تشبیه ۵:۶ وام گرفته بود. و همچنین یوشع در آیهٔ ۷ به اسرائیل حکم کرد که «به این طوایفی که در میان شما باقی مانده‌اند» داخل نشوند و خدایان آنها را پرستش نکنند. اینها و دستورات مشابهی در آیات ۸ و ۱۲ از متونی مانند تشبیه ۷:۳ و ۱۰:۲۰ وام گرفته شده‌اند.

نویسنده ما اشاره کرد که چطور یوشع به شریعت موسی اشاره کرد تا دیدگاهی را که بارها و بارها در کتاب او به چشم می‌خورد را به مخاطب اولیه خود یادآوری کند. تنها امیدی که آنها برای دریافت برکات خدا داشتند، تایید مجدد وفاداری‌شان به معیار شریعت موسی بود.

قدرت خارق‌العاده خدا

در وهله چهارم، این باب که به جزئیات هشدارهای عهدی یوشع می‌پردازد، همچنین توجه خود را به قدرت خارق‌العاده خدا نیز معطوف می‌کند. برای مثال، در ۲۳: ۱، گزارش احضار از سوی یوشع هنگامی که می‌گوید «خداوند اسرائیل را از جمیع دشمنان ایشان از هر طرف آرامی داده بود»، به قدرت عظیم خدا اشاره می‌کند. همین مضمون همچنین چندین بار در سخنرانی یوشع نیز پدیدار می‌شود. در ۲۳: ۳، یوشع به اسرائیل یادآوری کرد که «یهوه، خدای شما، اوست که برای شما جنگ کرده است.» در آیه ۵، او به آنها اطمینان خاطر داد که «یهوه، خدای شما، اوست که [دشمنان] را از حضور شما رانده، ایشان را از پیش روی شما بیرون می‌کند.» او این بن‌مایه را در آیه ۹ تکرار می‌کند و می‌گوید «خداوند طوایف بزرگ و زورآور را از پیش روی شما بیرون کرده است.» و او در آیه ۱۰ گفت: «یهوه، خدای شما، اوست که برای شما جنگ می‌کند، چنانکه به شما گفته است.» یوشع همچنین در داوری علیه اسرائیل نیز به قدرت خارق‌العاده خدا اشاره کرد. همانطور که او در آیه ۱۵ مطرح می‌کند، «خداوند همه چیزهای بد را بر شما عارض خواهد گردانید، تا شما را... هلاک سازد.» و در آیه ۱۶ یوشع هشدار داد که «غضب خداوند بر شما افروخته خواهد شد.»

همانطور که می‌توانیم ببینیم، نویسنده ما بارها اشاره کرد که چطور یوشع قدرت خارق‌العاده خدا را به اسرائیل یادآوری کرده است. هدف او این بود که سخنان یوشع، مخاطب اولیه او را به سمت قدردانی و برکت سوق بدهد. و در همین راستا، او هر هشدار در مورد لعنت‌های خارق‌العاده برای بی‌وفایی را ذکر کرد تا خوف در دل آنها ایجاد کند و آنها را به سمت توبه بکشاند.

همه اسرائیل

و در وهله پنجم، هشدارهای عهدی در باب ۲۳ همچنین بر مشارکت همه اسرائیل نیز تاکید می‌کنند. در احضار از سوی یوشع، آیه ۲ خاطر نشان می‌سازد که یوشع «همه اسرائیل» را گرد هم آورد. و در سخنرانی یوشع، هشدارهای او در مورد پیامدهای لعنت به خاطر تخطی از عهد خدا، صرفاً شامل بعضی از اسباط نمی‌شد. آینده کل قوم اسرائیل بر اساس اصولی که یوشع در این باب اعلام کرد تعیین می‌شد.

بدون شک، نویسنده یوشع در باب ۲۳ بر این مضمون عمده تمرکز کرد تا همه افراد در اسرائیل را فرا بخواند که به آنچه یوشع گفته بود، توجه کنند. مانند روزگار یوشع، کل قوم در زمان نویسنده ما باید به هشدارهای یوشع توجه می کردند. تنها در این صورت بود که می توانستند به دریافت برکات خدا امیدوار باشند.

خدا به اسرائیلیان درباره آنچه که باید و نباید انجام می دادند، دستوراتی داد... اما قرار بود آنها در کنار همسایگانی باشند که خدایان دیگری را می پرستیدند و همچنین کارهای زشت و هولناکی انجام می دادند. بنابراین، خدا می خواست که اسرائیلیان در عهد با او، وفادار بمانند. و او وعده داد که اگر آنها در عهد با خدا وفادار بمانند، همه چیز برای شان خوب پیش خواهد رفت. اما اگر آنها از عهد او تخطی کنند، اتفاقی برای شان می افتاد. حتی در زندگی ما همینطور است. اگر ما نسبت به عهد خدا وفادار بمانیم، خدا همراه ما خواهد بود، ما را راهبری خواهد کرد، و همانطور که به یوشع وعده داد، در ما کار خواهد کرد.

– شبان میکاه نیوسا

حال که دیدیم کتاب یوشع چگونه با گزارش هشدارهای عهدی یوشع، به وفاداری اسرائیل به عهد پرداخته است، در موقعیتی هستیم که به سراغ دومین موضوع عمده در این درس برویم: آیین تجدید عهد یوشع.

تجدید عهد

از بسیاری جهات، نمایش باب ۲۳ ما را در یک حالت تعلیق رها می کند. یوشع یک سخنرانی انجام داد که به اسرائیل نسبت به اتفاقات وحشتناکی هشدار می داد که در صورت شکستن عهدشان با خدا به وقوع می پیوست. اما هیچ نشانه‌ای از اینکه اسرائیل چطور واکنش نشان داده، وجود ندارد. نویسنده ما هرگونه گزارشی از پاسخ آنها را حذف کرد تا مخاطبین خود را برای آنچه که می خواست در باب ۲۴ بنویسد، آماده کند. یوشع در این باب آخر، گردهمایی دومی را برگزار کرد. اینجا در یک آیین تجدید عهد، اسرائیلیان بار دیگر خود را به حفظ عهدشان با خدا متعهد ساختند. و این آیین، الگویی برای مخاطبین اولیه بود که چطور باید به هر آنچه از کتاب یوشع آموختند، پاسخ بدهند.

ما از طریق شیوه معمول خودمان به آیین تجدید عهد یوشع نگاه خواهیم کرد. ابتدا به ساختار و محتوای آن توجه می کنیم و بعد معنای اصلی آن را در نظر می گیریم. بیایید ابتدا ساختار و محتوای تجدید عهد یوشع را بررسی کنیم.

ساختار و محتوا

همانطور که دیدیم، بعد از آنکه اسباط اسرائیل در مناطق مختلف ارثی خود ساکن شدند، یوشع آنها را به یک گردهمایی، احتمالاً در شیلوه، فرا خواند. اما در این باب، یک گردهمایی دیگر می‌بینیم که این بار در شکیم است. شکیم یک مکان مقدس ویژه برای اسرائیل بود. اینجا اولین مکانی در سرزمین وعده بود که ابراهیم برای خدا در پیدایش ۱۲:۷ مذبحی ساخت. و شکیم در مجاورت کوه جرزیم و کوه ایبال قرار داشت؛ یعنی همان جایی که موسی به اسرائیل در باب‌های ۱۱ و ۲۷ تثنیه فرمان داده بود تا عهد خود را با خدا تجدید کنند. و در این باب آخر از کتاب ما، شکیم جایی است که به اوج خدمت یوشع به عنوان راهبر اسرائیل می‌رسیم.

تجدید عهد اسرائیل در شکیم، روایتی یکپارچه است که به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود. ابتدا در ۲۴:۱ دربارهٔ دومین احضار قوم از سوی یوشع می‌خوانیم. این احضار در تعادل با مرخص ساختن جماعت توسط یوشع در پایان کتاب، در ۲۴:۲۸ قرار می‌گیرد. بین این دو بخش، روایت اصلی شامل سخنرانی دوم یوشع و پاسخ اسرائیل در آیات ۲ تا ۲۴ و به دنبال آن تصدیق عهد در آیات ۲۵ تا ۲۷ قرار دارد. ابتدا احضار آغازین در آیهٔ ۱ را در نظر می‌گیریم.

احضار

گزارش احضار اسباط به این گردهمایی از سوی یوشع، هم به احضار از سوی او در باب ۲۳ شباهت دارد و هم با آن متفاوت است. مانند گردهمایی قبلی، ۲۴:۱ به ما می‌گوید که یوشع «تمامی اسباط اسرائیل» و همچنین «مشایخ اسرائیل و رؤسا و داوران و ناظران ایشان» را گرد آورد. چشمگیرترین تفاوتی که در این احضار می‌بینیم این است که یوشع و اسرائیل «به حضور خدا حاضر شدند.» به عبارت دیگر، آنها در حضور جلال مرئی خدا در خیمه گرد آمدند. این نخستین بار از چندین دفعه‌ای است که نویسندهٔ ما با ترسیم شباهاتی به باب‌های ۱۹ تا ۲۴ خروج، اهمیت این رویداد را برجسته می‌کند. در این باب‌ها، اسرائیل نزد حضور مرئی خدا بر کوه سینا، عهدی بستند. بنابراین، درست مانند آنچه در خروج روی داد، تجدید عهد در زمان یوشع نیز در حضور مرئی خدا انجام شد.

سخنرانی و پاسخ‌ها

پس از احضار قوم از سوی یوشع، نویسندهٔ ما به سخنرانی او و پاسخ اسرائیل در ۲۴:۲-۲۴ پرداخت. به طور کلی، سخنرانی یوشع در اینجا به سخنرانی او در گردهمایی باب ۲۳ شباهت داشت، چون توجهات را به پویایی بنیادین عهد خدا با اسرائیل جلب کرد: بر سخاوتمندی الاهی تمرکز کرد؛ اسرائیل را برای وفاداری به خدا فرا خواند؛ و نسبت به پیامدهای عدم وفاداری هشدار داد. بت‌پرستی نیز دقیقاً مانند باب ۲۳، از توجهات ویژهٔ باب ۲۴ بود. اما برخلاف باب قبلی، این باب گزارش می‌دهد که اسرائیل چطور به آنچه یوشع گفته بود، پاسخ دادند.

بخش اول این سخنرانی شامل یک تکرار طولانی از سخاوتمندی الاهی در ۲۴: ۲-۱۳ است. به یاد دارید که یوشع در باب ۲۳، کارهایی را که خدا برای اسرائیل انجام داده بود را خلاصه کرد. اما در اینجا، یوشع به جای استفاده از کلمات خودش، در آیه ۲ با بیان این سخنان شروع کرد که «بهبوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید...» در سرتاسر این آیات، یوشع از آنچه گزارش داد که از خود خدا - احتمالاً در خیمه - شنیده بود. حدود هجده بار خدا با استفاده از ضمیر اول شخص «من» اعلام کرد که برای اسرائیل چه کرده است. این دیدگاه اول شخص، بازتاب عهد اسرائیل در کوه سینا است که در آن، موسی آنچه را که از خدا در کوه سینا شنیده بود گزارش داد. و توجه را به این حقیقت معطوف می‌ساخت که خود خدا مستقیماً سخاوتمندی‌های فراوانش نسبت به اسرائیل را یادآوری می‌کرد. خدا سخاوتمندی خود نسبت به اسرائیل را در سه دوره از تاریخ تکرار کرد. نخست، در آیات ۳ و ۴ خدا یادآوری کرد که او چطور به نسل‌های پیشین در دوره پاتریارک‌ها مرحمت نشان داده است. دوم، در آیات ۵ تا ۱۰، او از لطف خود در زمان موسی صحبت کرد. و سوم، در آیات ۱۱ تا ۱۳ او با آنچه در روزگار یوشع برای قوم اسرائیل اتفاق افتاده بود، خاتمه داد. در آیه ۱۲، خدا روشن ساخت که «نه به شمشیر و نه به کمان شما» بود که دشمنان اسرائیل شکست خوردند. و او در آیه ۱۳ اضافه کرد که به آنها «زمینی که در آن زحمت نکشیدید، و شهرهایی را که بنا نمودید... و... تاکستانها و باغات زیتون که نکاشتید» بخشید. فکر اصلی در اینجا به اندازه کافی روشن است. اسرائیلیانی که در حضور خدا گرد آمده بودند، هر موفقیتی را مدیون سخاوتمندی خدا بودند.

من باور دارم که آیین عهد، پیام شگرفی برای تعلیم به فرزندان اسرائیل داشت. یک جنبه از آن، این است که او چطور این سخنرانی وداع را با صحبت درباره وفاداری خدا در تاریخ اسرائیل شروع می‌کند. او با ابراهیم آغاز می‌کند و بعد ادامه می‌دهد و درباره پاتریارک‌های دیگر صحبت می‌کند. بعد به تجربه دریای سرخ می‌پردازد که خدا اسرائیل را در آنجا نجات داد، و بعد درباره وفاداری خدا در بیابان صحبت می‌کند، و در نهایت با اسرائیل در مورد اینکه چطور خدا آنها را در سرزمین وعده پیروز کرده است صحبت می‌کند. و آنها نه تنها درباره وفاداری خدا از طریق این رویدادها شنیده بودند، بلکه برخی از اینها را به چشم خودشان هم دیده بودند. و نکته این است که، من فکر می‌کنم، این که یوشع برای آنها از این درس تاریخی صحبت می‌کرد، فقط برای یادآوری وفاداری خدا به آنها هست، که خدا همه مسیر از زمان ابراهیم را با قوم خود بوده و به وفاداری خود ادامه داده است.

- دکتر ت. ج. بتز

در دومین بخش از سخنرانی یوشع در آیات ۱۴ تا ۲۴، او با دعوت به وفاداری و هشدار در مورد پیامدهای عدم وفاداری، درباره مهربانی خدا تامل کرد. و مانند موسی در باب‌های ۱۹ و ۲۴ خروج، یوشع نیز انتظار پاسخی از سوی قوم داشت که آنها را دریافت کرد. این بخش به سه فراخوان و پاسخ تقسیم می‌شود.

فراخوان و پاسخ اول. اولین فراخوان و پاسخ در آیات ۱۴-۱۸ به چشم می‌خورد. در آیه ۱۴، یوشع اسرائیلیان را نصیحت کرد تا «از یهوه بترسید، و او را به خلوص و راستی عبادت نمایید.» سپس او توضیح داد که اولین قدم برای رسیدن به هدف مذکور این بود که اسرائیل «خدایانی را که پدران شما به آن طرف نهر و در مصر عبادت نمودند از خود دور» کنند. سپس بعد از این، در آیه ۱۵، به آنان گفت تا «امروز برای خود اختیار کنید که را عبادت خواهید نمود.» علیرغم این واقعیت که یوشع در سخنرانی باب ۲۳ خود درباره بت پرستی هشدار داده بود، اما اسرائیلیان هنوز بت‌هایی در میان خود داشتند. و اکنون، یوشع تاکید کرد که خدا از آنها می‌خواهد تا با دور انداختن هر بتی در میان‌شان، تمام خدایان دروغین را رد کنند. و یوشع با بیان آن سخنان شناخته‌شده ۲۴: ۱۵، برای آنها الگویی شد: «اما من و خاندان من، یهوه را عبادت خواهیم نمود.»

این مضمون خدمت به خدا آنچنان برای یوشع اهمیت داشت که از واژه «خدمت» یا «آباد» در عبری (עָבַד)، شانزده بار در این فصل استفاده کرد. و در آیات ۱۶-۱۸، اسرائیل با ابراز تعهد خود برای خدمت به خدا، پاسخ مثبتی به دعوت یوشع داد. همانطور که در آیه ۱۸ می‌خوانیم، قوم پاسخ دادند: «ما نیز یهوه را عبادت خواهیم نمود، زیرا که او خدای ماست.»

فراخوان و پاسخ دوم. دومین فراخوان و پاسخ در آیات ۱۹-۲۲ به چشم می‌خورد. در آیه ۱۹، یوشع جمعیت گرد آمده را با این سخن که «نمی‌توانید یهوه را عبادت کنید زیرا که او خدای قدوس است و او خدای غیور است که عصیان و گناهان شما را نخواهد آمرزید»، به چالش کشید. حال منظور یوشع در اینجا این نبود که اسرائیل نمی‌تواند خدا را خدمت کند و خدا سرکشی و گناهان آنها را به طور کلی و در هیچ زمانی نخواهد بخشید. بلکه تمرکز او بر این نکته بود که مادامی که آنها بت‌های خود را از بین نبرند، نمی‌توانند بار دیگر به خدمت خدا و دریافت برکات الهی متعهد شوند. اگرچه خدا در گذشته صبورانه از این گناه چشم‌پوشی کرده بود، اما دیگر این کار را ادامه نمی‌داد. همانطور که یوشع در ۲۴: ۲۰ هشدار داد، ادامه خدمت بت‌ها به این نتیجه وحشتناک منجر می‌شد که خدا «خواهد برگشت و به شما ضرر رسانیده، بعد از آنکه به شما احسان نموده است، شما را هلاک خواهد کرد.» خوشبختانه، بعد از آن قوم این هشدار خوفناک را شنیدند، در ۲۴: ۲۱ پاسخ دادند و گفتند: «نی، بلکه یهوه را عبادت خواهیم نمود.»

فراخوان و پاسخ سوم. سومین فراخوان و پاسخ در آیات ۲۳ و ۲۴ پدیدار می‌شود. یوشع که در آیات ۱۸، ۲۱، و ۲۲ پاسخ‌های مثبتی از قوم دریافت کرده بود، در آیه ۲۳ دوباره تایید کرد که اولین عمل ملموس تجدید وفاداری به خدا این بود که «خدایان غیر را که در میان شما هستند دور کنید، و دل‌های خود را به یهوه، خدای اسرائیل، مایل سازید.»

باب‌های پایانی کتاب یوشع - باب‌های ۲۳ و ۲۴ - حاوی یک سخنرانی از یوشع دربارهٔ نیاز به وفاداری انحصاری به خداوند هستند. و به ویژه قابل توجه است که می‌توانید در آنجا پند یوشع به آنها را ببینید که می‌گوید خدایانی که پدران‌شان در آن سوی رود و در مصر خدمت می‌کردند را کنار بگذارند. و این، در اشاره و استناد به این حقیقت است که اسرائیل همیشه تمایل داشت به دنبال خدایان دیگر برود و از آنها پیروی کند. همانطور که ای. دابلیو. توزر می‌گوید، این یک قانون اساسی قلب انسان است که دل ما به بت‌پرستی گرایش دارد. و یوشع می‌دانست که فقط از طریق وفاداری انحصاری به یهوه، به خدا، اسرائیل نه تنها موفق خواهد شد، بلکه کمال برکت را هم تجربه خواهد کرد، چون خدایان ملت‌های دیگر، همانطور که مزامیر به ما می‌گویند، آنها خدایان مرده هستند، و کسانی که آنها را می‌پرستند را هم مثل خودشان می‌سازند، اما فقط یک خدای زنده و حقیقی وجود دارد. و بنابراین، برای اسرائیل، وفادار ماندن به خداوند و تعهد انحصاری به او - همانطور که او منحصرًا به اسرائیل متعهد بود - تنها منبع امید و زندگی و رفاه آنها در آینده بود.

- کشیش مایکل گلودو

آیین تصدیق

بعد از سخنرانی یوشع و پاسخ‌های اسرائیل، روایت در آیات ۲۵ تا ۲۷ به آیین تصدیق تعهد تازهٔ اسرائیل به خدا می‌پردازد. این بخش در آیهٔ ۲۵ و با بیان این نکته به ما آغاز می‌شود که «یوشع با قوم عهد بست و برای ایشان فریضه و شریعتی در شکیم قرار داد.» در آیهٔ ۲۶، یوشع همچنین این تعهد را با برافراشتن «سنگی بزرگ... آنجا زیر درخت بلوطی که نزدیک قدس خداوند بود» تایید کرد.

درخت بلوطی که در اینجا مورد اشاره قرار گرفته، یادآور پیدایش ۱۲: ۶ و بلوطستان بزرگ مورخ در شکیم است. این همان جایی است که ابراهیم اولین مذبح خود در کنعان را ساخت. و همانطور که در سرتاسر این مجموعه دروس دیدیم، در کتاب یوشع اغلب از سنگ‌ها برای یادبود استفاده می‌شد. برای نمونه، در ۴: ۷ یوشع دوازده سنگ در جلجال برای اسرائیلیان «به جهت یادگاری ابدی» برپا کرد. و مذبحی که توسط اسباط ماوراءالنهر در ۲۲: ۳۴ ساخته شده بود، به عنوان شهادی میان آنها «که یهوه خداست» برپا شد. در ۲۴: ۲۷، یوشع توضیح داد که «این سنگ... برای شما شاهد خواهد بود، مبدا خدای خود را انکار نمایید.» در نسل‌های آینده، این سنگ شاهد انکار داوطلبانهٔ عهد از طرف اسرائیل را غیرممکن می‌ساخت تا آنها هرگونه بت‌پرستی را از خود دور کنند. و اگر آنها در انجام این عهد کوتاهی می‌کردند، فقط باید خودشان را به خاطر دآوری‌های خدا که گریبانگیرشان می‌شد مسئول می‌دانستند و سرزنش می‌کردند.

مرخص‌سازی

پس از این وقایع هوشیاری‌بخش، شرح تجدید عهد اسرائیل با مرخص‌سازی جماعت توسط یوشع در آیه ۲۸ به اتمام می‌رسد. نویسنده ما گزارش خود از این واقعه را اینطور به پایان برد که «یوشع، قوم یعنی هر کس را به ملک خود روانه نمود.» چنین پایانی برای این روایت، سوالی حیاتی در ذهن مخاطبین اولیه ایجاد کرد که باید به آن فکر می‌کردند. آیا اسرائیل به تعهد خود مبنی بر طرد بت‌پرستی و خدمت انحصاری به خداوند عمل کرد؟ در سخن آخر کتاب که روایت را خاتمه می‌دهد، نویسنده ما در ۲۴: ۳۱ گزارش می‌دهد که «اسرائیل در همه ایام یوشع و همه روزهای مشایخی که بعد از یوشع زنده ماندند... خداوند را عبادت نمودند.» اما آنطور که ما از کتاب‌های داوران، سموئیل، و پادشاهان می‌آموزیم، اگرچه اسرائیل برای مدتی وفادار می‌ماند اما نسل‌های بعدی بارها و بارها سوگند رسمی خود برای عدم بت‌پرستی را زیر پا گذاشتند. و مخاطبان اولیه کتاب ما می‌دانستند که به خاطر آن، متحمل چه پیامدهایی شده‌اند.

با در نظر داشتن ساختار و محتوای تجدید عهد یوشع، باید به سراغ معنای اصلی آن برویم.

معنای اصلی

به طور کلی، مفاهیم تجدید عهد یوشع برای مخاطبین اولیه او به اندازه کافی روشن بودند. زمانی که نویسنده ما کتاب یوشع را تکمیل کرد، قوم اسرائیل در عمل به تعهداتی که اجدادشان در روزگار یوشع داده بودند، شکست خورده بود. و پیامدهای بی‌اطاعتی آنها نیز بسیار واضح بود. اگر برای کسی در اسرائیل جای سوال بود که چرا متحمل چنان رنج‌های سختی شده بودند، باب ۲۴ یوشع توضیح می‌دهد که آنها به دلیل نقض آشکار عهدشان، مستحق دآوری خدا بودند.

در یکی از درس‌های پیشین دیدیم که مخاطبین اولیه کتاب ما احتمالاً در دوره داوران، دوره پادشاهی، و یا حتی در دوره‌ای به دیرهنگامی تبعید یهودا به بابل زندگی می‌کرده‌اند. به هر روی، قوم خدا به خاطر تجاوز از عهدی که یوشع در فصل ۲۴ کتاب ما تجدید کرد، متحمل عواقب شدیدی شد. در دوره داوران، افراد زیادی در اسرائیل طعمه و سوسه بت‌پرستی شدند. و در نتیجه، مناطق مختلف سرزمین اسرائیل دچار چرخه‌های شکست و رهایی شدند. طی دوره پادشاهی، بت‌پرستی به انواع مشکلات منجر شد. در پادشاهی شمالی، تجاوزات مکرر آشور در نهایت منجر به سقوط سامره و تبعید بسیاری از مردم شد. بعدتر، بت‌پرستی در پادشاهی جنوبی نیز به سقوط اورشلیم و تبعید بابلی انجامید. در طول تمام این دوران، ایمانداران اسرائیلی مشتاق بودند که بدانند برای کسب بخشش و برکت از طرف خدا چه کاری می‌توانند انجام بدهند. باب ۲۴ کتاب یوشع، آنها را راهنمایی می‌کند: اسرائیل باید مهربانی‌های فراوان خدا را به خاطر بسپارد و عهد خود را با او تجدید کند. و آنها باید این عمل را با سرسپردگی انحصاری به یگانه خدای حقیقی خود، درست به مانند اسرائیل در روزگار یوشع، انجام می‌دادند.

نویسنده ما برای اینکه مخاطبین اولیه خود را به سوی عمل سوق بدهد، بار دیگر هر پنج مضمون تکراری خود را در این فصل نیز تکرار کرده است.

اقتدار الهی

در وهله اول، او روشن ساخت که اقتدار الهی زیربنای این تجدید عهد بود. درست مانند باب ۲۳، احضار از سوی یوشع در ۱:۲۴ یوشع را به نام مورد اشاره قرار می دهد تا روشن کند که این راهبر از سوی خدا تایید شده، مسئول این آیین بود. به علاوه، سخنرانی یوشع و پاسخ های اسرائیل در ۲:۲۴ با این کلمات آغاز می شود که «یهوه خدای اسرائیل چنین می گوید...» این کلمات آغازین جای شبهه ای باقی نمی گذارد که اقتدار خود خدا زیربنای آنچه است که در این باب رخ می دهد. و فرای این، نویسنده ما در گزارش خود از سخنرانی یوشع چندین بار تکرار کرد که این یوشع - نماینده منصوب خدا - بود که با جماعت صحبت می کرد.

نویسنده ما با جلب توجه به اقتدار الهی در این باب، همه افراد در بین مخاطبین اولیه خود را فرا خواند تا توجهی ویژه نشان بدهند. او اصرار داشت که اگر آنها آنچه را که در تجدید عهد یوشع رخ داده بود نادیده می گرفتند و راه خود را می رفتند، علیه اقتدار خدا سرکشی کرده اند.

عهد خدا

در وهله دوم، در سرتاسر این روایت تجدید عهد، یوشع بارها به عهد خدا اشاره کرد. سخنرانی او و پاسخ های اسرائیل به موضوعات پویایی سخاوتمندی الهی، وفاداری انسان، و پیامدهای عدم وفاداری پرداختند. و علاوه بر این، در آیین تصدیق یوشع، نویسنده ما در ۲۴:۲۵ به صراحت بیان کرد که «در آن روز یوشع با قوم عهد بست.» نویسنده ما همچنین در مرخص سازی جماعت نیز به عهد خدا با اسرائیل اشاره کرد. او در آیه ۲۸ گفت که «یوشع، قوم یعنی هر کس را به ملک خود روانه نمود.» در اینجا برای واژه ملک یک بار دیگر از اصطلاح عبری ناخالا (nachalah - נַחֲלָה) به معنای میراث استفاده شده است.

حال، همانطور که پیش تر دیدیم، مضمون عهد خدا در این باب هم بر مهربانی او و هم بر الزام وفاداری متمرکز است. واضح است که نویسنده ما امیدوار بود مخاطبین اولیه او متوجه بشوند که چطور از عهد خدا تجاوز کرده اند. و آنان را فرا خواند که تعهدشان به حفظ عهد با خدا را تجدید کنند. بدون توبه و تجدید این تعهد، آنها و فرزندان شان همچنان با لعنت های عهد روبرو می شدند.

معیار شریعت موسی

در وهلهٔ سوم، تجدید عهد یوشع در باب ۲۴، معیار شریعت موسی را تصدیق کرد. برای نمونه، در سخنرانی یوشع و پاسخ‌های اسرائیل، آیات ۱۴ و ۱۵ اسرائیل را فرا می‌خوانند تا خدایانی را که پدران آنها «به آن طرف نهر و در مصر» عبادت می‌کردند و همچنین «خدایان اموریان» - اصطلاحی دیگر برای اشاره به کنعانیان - را از خودشان دور کنند. این دستور بر اساس ممنوعیت بت‌پرستی در شریعت موسی بود که در متونی مانند تثنیه ۱۱: ۲۸ یافت می‌شوند. علاوه بر این، وقتی که یوشع در آیهٔ ۱۹ اعلام کرد که «او خدای قدوس است و او خدای غیور است»، این مطلب را از قسمت‌هایی در تورات مانند خروج ۲۰: ۵ وام گرفت. نویسندهٔ ما جای هیچ شکی در اذهان مخاطبین اولیهٔ خود باقی نگذاشت. شریعت موسی معیاری بود که آنها اگر به مشاهدهٔ برکات خدا امید داشتند، می‌باید رعایت می‌کردند.

قدرت خارق‌العادهٔ خدا

در وهلهٔ چهارم، این باب دربارهٔ تجدید عهد، همچنین بر قدرت خارق‌العادهٔ خدا نیز تاکید کرد. نویسندهٔ ما این کار را به وضوح در سخنرانی یوشع و پاسخ‌های اسرائیل انجام داد، چون یوشع از آنچه که خدا در مورد سخاوتمندی خود نسبت به اسرائیل گفته بود گزارش می‌داد. در آیات ۳-۶ الف، خدا به زبان اول شخص صحبت کرد و تعدادی از کارهایی که برای اسرائیل انجام داده بود را فهرست‌وار برشمرد. برای نمونه، او در آیهٔ ۳ گفت: «پدر شما ابراهیم را از آن طرف نهر گرفته، در تمامی زمین کنعان گردانیدم، و ذریت او را زیاد کردم.» در آیهٔ ۵ او گفت: «مصر را... مبتلا ساختم.» از آیات ۶ ب-۷ یوشع شرح خود را نیز بر آنچه خدا برای اسرائیل انجام داده بود، اضافه کرد. در آیهٔ ۷، یوشع گفت که وقتی مصریان به تعقیب اسرائیلیان تا دریا آمدند، خدا «دریا را بر ایشان آورده، ایشان را پوشانید.» در آیات ۸-۱۳، متن دوباره به ضمیر اول شخص بر می‌گردد. خدا در آیهٔ ۸ گفت: «[اموریان] را به دست شما تسلیم نمودم... و ایشان را از حضور شما هلاک ساختم.» و خدا در آیهٔ ۱۲ در ارتباط با فتح کنعان به اسرائیل گفت که این امر به شمشیر و کمان آنها رخ نداده است.

علاوه بر این، پاسخ‌های اسرائیل به سخنان یوشع نیز بر قدرت خارق‌العادهٔ خدا تمرکز داشت. در آیهٔ ۱۷، قوم اعتراف کردند که در مصر، خدا «این آیات بزرگ را در نظر ما نمود»، و همچنین خدا «ما را در تمام راه که رفتیم و در تمام طوایفی که از میان ایشان گذشتیم، نگاه داشت.» و در آیهٔ ۱۸ آنها موافقت کردند که «تمامی طوایف... را که در این زمین ساکن بودند از پیش روی ما بیرون کرد.» اما یوشع همچنین در آیهٔ ۲۰ به اسرائیل هشدار داد که «اگر یهوه را ترک کرده... آنگاه او خواهد برگشت و به شما ضرر رسانیده... شما را هلاک خواهد کرد.»

این اعلانات قدرت خارق‌العاده خدا به مخاطبین اولیه یادآوری می‌کرد که چگونه خدایی را خدمت می‌کنند. او خدای قدرتمند بود و هرگز نباید او را نادیده می‌گرفتند. توانایی او در برکت و لعنت غیر قابل قیاس بود. و به همین دلیل، آنها باید همیشه به عهد او وفادار می‌ماندند.

وقتی که ما به رابطه خدا با قوم اسرائیل نگاه می‌کنیم، یکی از چیزهایی که به وضوح دیده می‌شود این است که او آنها را بارها و بارها به روش‌های خارق‌العاده‌ای، برکت می‌دهد. و من فکر می‌کنم که یک هدف واقعی در ورای آن وجود دارد که به آنها کمک می‌کند تا بتوانند رابطه‌شان با خدا و وفاداری خود به عهد را حفظ کنند... برکات خارق‌العاده‌ای که او بر آنها نازل می‌کند، من فکر می‌کنم، بهترین راه در دراز مدت برای یادآوری مداوم به مردم است، که این خدایی است که ما را محبت می‌کند، به ما اهمیت می‌دهد، که هرگز ما را ترک نخواهد کرد یا رها نمی‌کند، و به خاطر آن محبتی که ما از خدا دریافت کردیم، ما هم بر می‌گردیم و به او محبت می‌کنیم و به آن رابطه وفادار می‌مانیم.

- دکتر دان لیسبیچ

همه اسرائیل

و نهایتاً در وهله پنجم، تجدید عهد یوشع با ارجاعاتی به مشارکت تمام اسرائیل شروع می‌شود و خاتمه می‌یابد. در احضار آغازین یوشع، در آیه ۱، «تمامی اسباط اسرائیل... مشایخ اسرائیل و رؤسا و داوران و ناظران ایشان» شرکت کردند. و روایت فوق در آیه ۲۸ با مرخص‌سازی «قوم، یعنی هر کس» از طرف یوشع پایان می‌گیرد.

همه اسرائیل در گردهمایی شرکت کردند، عهد خود را تجدید کردند، و برگشتند تا در میراثی که خدا به آنها داده بود ساکن شوند. هدف نویسنده ما برای مخاطبین اولیه‌اش به قدر کافی واضح است. از آنجا که این در روزگار یوشع صدق می‌کرد، همه مخاطبین اولیه نیز باید در زمان خود تجدید عهد می‌کردند.

تا به اینجا در این درس درباره وفاداری به عهد، ما به اهمیت هشدارهای عهدی و تجدید عهد برای مخاطبین اولیه کتاب یوشع نگاه کردیم. اکنون باید به سراغ سومین موضوع اصلی این درس برویم که کاربرد مسیحی این بخش از کتاب است. من و شما به عنوان پیروان مسیح، چگونه باید این امور را در زندگی روزمره خودمان به کار بگیریم؟

کاربرد مسیحی

آخرین بخش عمده کتاب ما، مخاطبین اولیه را فرا خواند تا در مورد پویایی عهد خود با خدا، به ویژه الزامات وفاداری و پیامد لعنت‌هایی که در مقابل عدم وفاداری با آنها مواجه می‌شدند، تامل کنند. خود یوشع، عهدهای خدا با ابراهیم و موسی را در نظر داشت. و مخاطبین بعدی عهد عتیق نیز عهد خدا با داوود را در نظر می‌گرفتند. اما این تاکیدها، امروزه چطور به عهد خدا با ما مربوط می‌شوند؟

به عنوان مسیحیان، رابطه ما با خدا اساساً توسط آنچه که ارمیای نبی، عیسی، و نویسندگان عهد جدید آن را «عهد تازه» خواندند، تنظیم می‌شود. متأسفانه، بسیاری از پیروان صادق مسیح عهد تازه را از راه‌هایی درک کرده‌اند که مرتبط ساختن این بخش از کتاب یوشع با زندگی مسیحی را بسیار دشوار می‌کند. بنابراین، لازم است که لحظه‌ای در اینجا توقف کنیم و لحظه‌ای به آنچه ارمیا درباره عهد تازه پیشگویی کرد و چگونگی درک نویسندگان عهد جدید از تحقق آن در مسیح فکر کنیم. به آنچه ارمیای نبی در ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۲ گفت، گوش کنید:

اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست. نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند، با آنکه خداوند می‌گوید من شوهر ایشان بودم (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۲).

این متن اعلام می‌کند که پس از تبعید بابلی، خدا «عهد تازه‌ای» - یا می‌شود آن را «عهد تجدیدشده‌ای» هم ترجمه کرد - با «خاندان» یا قوم «اسرائیل» و «خاندان» یا قوم «یهودا» برقرار خواهد ساخت. ارمیا بخش عمده خدمت خود را صرف اعلام این مسئله کرد که یهودا به زودی متحمل شکست و تبعید به دست بابلیان می‌شد. اما در ارمیا ۳۱، او با این اعلام شروع می‌کند که «اینک ایامی می‌آید». جای دیگری در این باب، عبارت «اینک ایامی می‌آید» به زمانی اشاره می‌کند که برکات خدا بعد از تبعید بابلی بر اسرائیل نازل خواهد شد.

حال، مهم است که توجه داشته باشیم که این عهد تازه مانند عهدی نیست که خدا با اجداد آنها در زمان موسی بسته بود. همانطور که ما در باب‌های ۲۳ و ۲۴ کتاب یوشع دیدیم، اگر اسرائیل آشکارا از عهد خود با خدا تجاوز می‌کرد و به بت‌پرستی روی می‌آورد، متحمل عواقبی سخت و یک دوره تبعید از سرزمین وعده می‌شد. متأسفانه، اسرائیل عهد با خدا را شکست و صدها سال تحت ظلم و ستم ملل غیر یهودی، رنج کشید. اما ارمیا به اسرائیل امید داد که، بعد از تبعید، خدا رحمت نشان خواهد داد و عهد تازه‌ای برقرار خواهد کرد. در ارمیا ۳۱:

۳۳-۳۴، خدا اطمینان داد که این عهد تازه مانند عهد با موسی، با عدم موفقیت مواجه نخواهد شد. در این آیات می‌خوانیم:

شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و بار دیگر کسی به همسایه‌اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند می‌گوید: «جمع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.» (ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴).

در واقع، این آیات توضیح می‌دهند که عهد تازه شکست نخواهد خورد، چون خدا قوم خود را کاملاً متحول خواهد کرد تا آنها به او وفادار باشند. او «شریعت خود را در باطن ایشان خواهد نهاد و آن را بر دل ایشان [خواهد] نوشت.»

همانطور که متونی مانند تثنیه ۳۰: ۱۰ نشان می‌دهند، برخورداری از قلبی هماهنگ با شریعت خدا، همیشه کمال مطلوب قوم خدا بود. و به فیض خدا، همیشه بقیتی وفادار از اسرائیل وجود داشت که به سوی این کمال مطلوب حرکت می‌کردند. اما باب ۳۱ ارمیا پیشگویی کرد که وقتی عهد تازه به طور کامل اجرا شود، احیای روحانی تکمیل خواهد شد - نه فقط برای عده معدودی، بلکه برای هر فردی که در میان قوم خدا محسوب می‌شود. در اینجا، تضادی قابل توجه با روزگار یوشع می‌بینیم. زمانی که عهد تازه در پری خود فرا برسد، دیگر نیازی به فراخوانی قوم خدا برای وفاداری وجود نخواهد داشت. همه آنها به طور تمام و کمال وفادار خواهند بود. خدا «عصیان ایشان» را خواهد آمرزید و «گناه ایشان را دیگر به یاد [نخواهد] آورد.»

وعده در کتاب ارمیا و وعده در کتاب حزقیال این بود که خدا شریعت خودش را بر قلب‌های ما خواهد نوشت و ما را در راه‌های خودش سالک می‌کند، روح خودش را در ما می‌گذارد، و گناهان ما را خواهد بخشید. و بنابراین، عهد تازه مانند عهد قدیم است، از این نظر که از طریق خون تایید می‌شود، اما همانطور که کتاب عبرانیان کاملاً روشن می‌کند، این یک عهد بهتر است، چون این عهدی است که با خون پسر خود خدا برقرار شده، نه خون گاوها و بزها که قادر نبودند گناه را به طور غایی پاک کنند. بنابراین، زندگی تحت این عهد تازه و برخورداری از برکات آن و آگاهی از این امور در سطحی که احتمالاً کسی در زمان عهد عتیق به سادگی درباره آنها نمی‌دانست، مسئله بسیار شگفت‌انگیزی است.

- شبان داگ مک کانل

دشوار نیست که ببینیم توصیف ارمیا از عهد تازه، برای من و شما به عنوان پیروان مسیح، سوالات مهمی ایجاد می‌کند. اگر احتیاجی به فراخوانی قوم عهد تازه به خدمت وفادارانه نیست، پس چرا متون عهد جدید مملو از فراخوانی‌ها به اطاعت هستند؟ اگر نیازی به هشدار درباره عواقب لعنت‌ها نیست، پس چرا متن عهد جدید به آنانی که وسوسه می‌شوند تا از مسیح برگردند، هشدار می‌دهد؟

برای پاسخ به این سوالات، باید به آنچه بازگردیم که در این مجموعه دروس درباره تحقق کتاب یوشع توسط مسیح دیده‌ایم. همانطور که به خاطر دارید، عهد جدید تعلیم می‌دهد که مسیح اهداف فتح پیروزمندانه و میراث سبیطی اسرائیل را در سه مرحله تحقق می‌بخشد. او تحقق عظیم این اهداف را با «تاسیس» پادشاهی خود در اولین ظهورش آغاز کرد. او در «تداوم» پادشاهی خود در طول تاریخ کلیسا، به محقق ساختن آنها ادامه می‌دهد. و زمانی که در جلال برگردد، تحقق آنها را در «تکمیل» پادشاهی خود تمام می‌کند. این الگوی تحقق مهم است، چون مسیح فراخوانی یوشع برای وفاداری به عهد را نیز در این سه مرحله تحقق می‌بخشد. ما با ترسیم آنچه که عهد جدید در مورد وفاداری به عهد طی هر یک از این مراحل تعلیم می‌دهد، کاربردهای مسیحی این بخش نهایی از کتاب یوشع را به روش معمول خودمان بررسی می‌کنیم. بیایید با وفاداری به عهد در تاسیس پادشاهی مسیح شروع کنیم.

تاسیس

ما به طور قطعی می‌دانیم که عصر عهد تازه با اولین ظهور مسیح آغاز شد. در لوقا ۲۲: ۲۰، خود عیسی از «عهد جدید... در خون من» صحبت کرد. در عبرانیان ۸: ۶، می‌خوانیم که عیسی واسط این عهد تازه است. و در دوم قرنتیان ۳: ۶، پولس رسول از خود و همراهانش به عنوان خدمت‌گزاران عهد جدید صحبت می‌کند.

در شام آخر، عیسی خداوند در اناجیل توضیح داد که مرگ قربانی‌وار او در دو سطح دارای اهمیت فراوانی است. بله، این یک قربانی کفاره‌ای بود که او در آن به جای ما و برای گناهان ما متحمل غضب خدای قدوس شد تا ما بتوانیم از آن رهایی پیدا کنیم، اما او همچنین مرگ خودش را به عنوان یک قربانی عهد آغازکننده توصیف کرد. او در اناجیل متی و لوقا خیلی صریح می‌گوید که خون او عهد تازه را تاسیس کرد. بنابراین، مرگ او همان قربانی‌ای است که عصر عهد تازه را به بار می‌آورد.

- دکتر چارلز کوارلز

عهد جدید دو راه را برجسته می‌سازد که در آنها، مسیح عهد تازه را تاسیس کرد. از یک سو، بر کار عیسی به عنوان ماشیح تاکید می‌کند. اسرائیل صدها سال تحت لعنت تبعیدی که یوشع هشدار داده بود علیه آنها فرا خواهد

رسید، رنج کشیده بود. و پدر، عیسی را به عنوان یک عمل بی‌نظیر از سخاوتمندی و رحمت، فرستاد. شخص دوم تثلیث، به عنوان پسر ارشد داوود جسم پوشید، که لزوم وفاداری به عهد خدا را به طور کامل — حتی تا حد مرگ و کفاره گناهان همه کسانی که حقیقتاً به او ایمان دارند — انجام داد. و برای این خدمت، خدا به او برکات رستخیز و صعود به آسمان به عنوان حکمران برتر بر همه را بخشید. عهد جدید همچنین اضافه می‌کند که ایمانداران حقیقی اکنون «در مسیح» هستند؛ به این معنا که در دربار آسمان با مسیح شناخته می‌شوند. ما در آسمان نشسته‌ایم و در جلال با مسیح سلطنت می‌کنیم.

اما از سوی دیگر، کار شگفت‌انگیز عیسی در زمانی که پادشاهی خود را تاسیس کرد، کلیسای روی زمین را به کمالی نرساند که ارمیا برای عهد تازه پیشگویی کرده بود. در کلیسای قرن اول، همانطور که پولس در دوم قرنتیان ۱۱: ۲۶ و غلاطیان ۲: ۴ گفت، هنوز «برادران کذب» وجود داشتند. و اگر این برادران کذب توبه نمی‌کردند، به داوری ابدی خدا محکوم بودند. اما برای ایمانداران حقیقی، ما نه تنها «در مسیح» هستیم، بلکه در حین حیات زمینی‌مان مسیح نیز از طریق روح القدس در ما است. و روح القدس، ایمانداران حقیقی را در یک فرایند مادام‌العمر تقدیس که ما در آن هستیم هدایت می‌کند تا آنطور که دوم قرنتیان ۷: ۱ می‌گوید، «قدوسیت را در خداترسی به کمال رسانیم.»

این واقعیت زمینی توضیح می‌دهد که چرا عیسی و نویسندگان عهد جدید به دفعات بر پویایی عهد در قرن اول به نحوی تاکید می‌کردند که شباهت زیادی به هشدارهای یوشع در سخنرانی‌های او داشت. درست همانطور که یوشع اسرائیل را به تجدید عهد رهنمون شد، عیسی و رسولان او نیز موعظه منظم کلام و شام خداوند را به عنوان ابزارهای تجدید عهد در عهد تازه، مقرر کردند.

آنها بارها و بارها، سخاوتمندی‌های خدا را برجسته ساختند. اما آنها همچنین کلیسا را فرا خواندند تا با وفاداری، به خدا پاسخ بدهد. آنها در عبارات مشهور رومیان ۱۲: ۲ تاکید کردند، «همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید.» و همچنین، به کلیسای مرئی در روزگار خود بارها در مورد عواقب شدید داوری خدا بر کسانی هشدار دادند که از مسیح رویگردان شدند. همانطور که در عبرانیان ۱۰: ۲۹ می‌خوانیم، «به چه مقدار گمان می‌کنید که آن کس، مستحق عقوبت سخت‌تر شمرده خواهد شد که پسر خدا را پایمال کرد و خون عهدی را که به آن مقدس گردانیده شد، ناپاک شمرد و روح نعمت را بی‌حرمت کرد؟» درست مانند هشدارهای عهدی که یوشع در زمان خود از آنها صحبت می‌کرد، این بخش‌ها و متون مشابه آنها در عهد جدید نیز برادران کذب را تشویق می‌کردند که به سوی ایمان نجات‌بخش بیایند. و به ایمانداران حقیقی نصیحت می‌کردند که به خدمت وفادارانه‌شان به خدا ادامه بدهند.

در پرتو آنچه گفته شد، مشاهده اینکه چطور پنج مضمون باب‌های آخر کتاب یوشع در مورد تاسیس عهد تازه اعمال می‌شوند، دشوار نیست. هنگامی که می‌بینیم در آخرین بخش از کتاب یوشع بر اقتدار الهی تاکید شده

است، نمایش عالی اقتدار الهی مسیح در اولین ظهور او را به یاد می‌آوریم. وقتی که با پویایی عهد خدا در روایت یوشع روبرو می‌شویم، به یاد می‌آوریم که چطور مسیح پویایی عهد تازه را مقرر ساخت. تاکید یوشع بر معیار شریعت موسی باید قلب ما را به سوی اطاعت بی‌نقص مسیح و فراخوانی پیروانش به زندگی بر اساس شریعت خدا در پرتو عهد تازه معطوف کند. و تاملات یوشع در مورد قدرت خارق‌العاده خدا در برابر اسرائیل، باید ما را به تصدیق قدرت خارق‌العاده‌ای که در تاسیس پادشاهی مسیح به نمایش گذاشته شد، رهنمون شود. در آخر، تمرکز بر اتحاد همه اسرائیل در این بخش از کتاب یوشع باید به ما یادآوری کند که چطور عیسی و رسولان و انبیای او کلیسا را به اتحاد خواندند.

پس از این کاربردهای مسیحی در رابطه با وفاداری به عهد و تاسیس پادشاهی مسیح، باید اکنون به چگونگی اعمال هشدارهای یوشع و فراخوان او برای تجدید عهد بر تداوم پادشاهی خدا در طول تاریخ کلیسا بپردازیم.

تداوم

هنگامی که ما پادشاهی مسیح در قرن اول را با پادشاهی او در زمان حاضر مقایسه می‌کنیم، واضح است که مسیح صعود کرده کارهای زیادی انجام داده است. در طول دو هزار سال گذشته، همانطور که او بر آسمان و زمین حکمرانی کرده، کلیسای او بیشتر و بیشتر در سراسر جهان گسترش یافته است. و حتی در روزگار ما نیز به گسترش خود ادامه می‌دهد. اما علیرغم پیروزی‌هایی که مسیح صعود کرده علیه دشمنانش به دست آورد، تاکیدات یوشع در فراخوان او برای وفاداری به عهد در تمام اعصار در مورد کلیسا کاربرد دارد.

از یک سو، خود مسیح همچنان در آسمان حکمرانی می‌کند و به نمایندگی از قوم خود در دربار آسمانی ادامه می‌دهد. ما «در مسیح» هستیم و خدا همچنان عدالت مسیح را به حساب هر کسی می‌گذارد که به سوی ایمان نجات‌بخش در او می‌آید، تا برکات ابدی آنها در او محفوظ بماند. و علاوه بر این، حتی زمانی که ما گناه می‌کنیم، مسیح از طرف ما در برابر تخت پادشاهی خدا شفاعت می‌کند. آنطور که در سطور عبرانیان ۷: ۲۵ می‌خوانیم: «[مسیح] از این جهت نیز قادر است که آنانی را که به وسیله وی نزد خدا آیند، نجات بی‌نهایت بخشد، چونکه دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند.»

اما از سوی دیگر، کلیسای مسیح بر روی زمین همچنان از کمال فاصله دارد. ما باید همیشه کلمات عبرانیان ۱۲: ۱۴ را به کلیسا یادآوری کنیم که می‌گوید: «در پی سلامتی با همه بکوشید و تقدسی که به غیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید.» هنوز هم کسانی وجود دارند که اعتراف به ایمان می‌کنند اما «برادران کذب» هستند و تنها آن چیزی را دارند که الاهی‌دانان ایمان «ریاکارانه» یا «موقت» می‌خوانند. در حقیقت، گاهی ارتداد در کلیسا به شدت افزایش پیدا کرده است و ما حق داریم هشدارهایی مانند اول قرن‌تین ۱۰: ۱۲ را اعلام کنیم: «پس آنکه گمان برد که قایم است، با خبر باشد که نیفتد.»

البته، از رحمت خدا همیشه بقیتی از ایمانداران حقیقی وجود دارد که مسیح با روح خود در آنها ساکن است. اما حتی آنها نیز برای تادیب از سوی خدا، دچار سختی‌های موقت می‌شوند. همانطور که مسیح در مکاشفه ۳: ۱۹ برای کلیسای لائودیکیه تشریح کرد: «هر که را من دوست می‌دارم، توبیخ و تادیب می‌نمایم. پس غیور شو و توبه نما.»

راهی که خدا محبتش برای قوم خود را نشان می‌دهد این است که حیات آنها و این جهان را تادیب می‌کند... بنابراین در عین حال که شگفت‌انگیز است که عیسی هنگام مرگ بر روی صلیب، لعنت‌های ابدی را بر خود گرفت، این هم یک هدیه شگفت‌انگیز از طرف خداست که تا وقتی که ما در این زندگی هستیم، خدا همه مشکلات، همه آزمایش‌ها، همه تادیب‌ها، حتی همه لعنت‌های عهدش را در رابطه با کسانی که واقعا ایمان آورده‌اند برطرف نکرده است، چون این ابزار اوست، ابزار او برای هدایت ما به مسیر قدوسیت و راه‌های عدالت است، تا ازدیاد برکات ما در جهان آینده، روز به روز آشکارتر بشود.

- دکتر ریچارد پرت

بنابراین واضح است که مضامین آخرین بخش از کتاب یوشع، در طول تداوم پادشاهی مسیح با کلیسا صحبت می‌کنند. اقتدار الهی در این بخش از کتاب یوشع، یادآور اقتدار مسیح بر کلیساها و زندگی فردی ما در زمان حاضر است. پویایی عهد خدا در کتاب یوشع ما را فرا می‌خواند تا در حین اینکه به سخاوتمندی خدا اقرار می‌کنیم، وفاداری خود را به او تقدیم می‌کنیم، و پیامدهای عهد او را دریافت می‌کنیم، پویایی عهد جدید در مسیح را به کار ببریم. وقتی تاکید یوشع بر معیار شریعت موسی را می‌خوانیم، باید - همیشه در پرتو آنچه مسیح انجام داده است - هم به عهد عتیق و هم به عهد جدید نگاه کنیم تا ما را در زندگی روزمره راهنمایی کنند. و درست همانطور که یوشع در مورد قدرت خارق‌العاده خدا در قبال اسرائیل تفکر می‌کرد، ما نیز باید از قدرت خارق‌العاده خدا که حتی امروزه از طریق عیسی به کلیسای خود نشان می‌دهد، به وجد بیاییم. و البته، تمرکز بر همه اسرائیل در این بخش از کتاب یوشع ما را فرا می‌خواند که اتحاد همه قوم عهد خدا در مسیح را همزمان با گسترش کلیسا در سراسر جهان، ترویج بدهیم.

همانطور که دیدیم، کاربرد مسیحی آخرین بخش از کتاب یوشع بر آنچه مسیح در تاسیس پادشاهی خود و در تداوم آن در روزگار ما به دست آورد، تمرکز می‌کند. اما همچنین در مورد تکمیل پادشاهی مسیح نیز صدق می‌کند، یعنی زمانی که او همه این امور را به طور کامل تحقق ببخشد.

تداوم

از یک سو، وقتی مسیح در جلال برگردد، خود او میراث کاملش را در آسمان و زمین جدید برای وفاداری عهدی بی نقص خویش دریافت می‌کند. در مکاشفه ۱۱: ۱۵، می‌خوانیم که در آن زمان «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او [خواهد] شد و تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد.» و همچنین در فیلیپیان ۲: ۱۱ می‌خوانیم «هر زبانی اقرار [خواهد کرد] که عیسای مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر.»

و از سوی دیگر، وقتی که مسیح برگردد، کلیسا و جهان کاملاً پاک و جلال یافته خواهند شد. برکاتی که غیر ایمانداران در این دنیا از فیض عام خدا دریافت کرده‌اند، مجازات ابدی آنها را افزایش خواهد داد. و لعنت‌هایی که در این زندگی تجربه کرده‌اند، جز مقدمه‌ای برای داوری ابدی‌ای نیست که متحمل آن خواهند شد. اما کسانی که ایمان نجات‌بخش به مسیح داشته‌اند، در آفرینش جدید با او شریک خواهند بود. هر برکتی که در این زندگی دریافت کرده باشند، تنها مقدمه‌ای برای جلال‌هایی خواهد بود که از آنها برخوردار خواهند شد. و لعنت‌های موقتی که در این زندگی متحمل شده‌اند، پاداش بزرگی برای آنها به همراه خواهد داشت. همانطور که یعقوب در آیه ۱۲ از باب ۱ کتاب خود بیان می‌کند: «خوشا به حال کسی که متحمل تجربه شود، زیرا که چون آزموده شد، آن تاج حیاتی را که خداوند به محبان خود وعده فرموده است خواهد یافت.» در آن روز، وعده عهد تازه کاملاً محقق خواهد شد. همانطور که در مکاشفه ۲۲: ۳ می‌خوانیم، «دیگر هیچ لعنت نخواهد بود و تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود.»

مضامین آخرین بخش از کتاب یوشع، در حین اینکه مشتاقانه منتظر تکمیل پادشاهی مسیح هستیم، امید زیادی به ما می‌دهد. نمایش اقتدار الهی در این بخش از کتاب یوشع، به ما یادآور می‌شود که امیدی که به مسیح داریم، از پشتیبانی اقتدار کامل خدا برخوردار است. تمرکز یوشع بر عهد خدا ما را فرا می‌خواند تا از این شادمان باشیم که یک روز، در پاداش کامل وفاداری بی نقص مسیح، با او شریک خواهیم بود. می‌توانیم با آگاهی از این نکته دلگرم باشیم که معیار شریعت موسی که در کتاب یوشع بر آن تاکید شده، زمانی که با مسیح در آفرینش جدید متحد خواهیم شد، در اطاعت کامل ما از اراده خدا محقق می‌شود. و توجه یوشع به قدرت خارق‌العاده خدا در برابر اسرائیل، ما را وادار می‌دارد تا در مورد نمایش بی نظیر قدرت مسیح تفکر کنیم که پس از بازگشت او شاهد آن خواهیم بود. در نهایت، مضمون همه اسرائیل در این بخش از کتاب یوشع برجسته شده است، ما را فرا می‌خواند تا شادمان باشیم که در تکمیل پادشاهی مسیح، دنیای جدید مملو از قوم وفادار خدا خواهد شد که او را با شادی بی پایان پرستش و خدمت خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

در این درس درباره وفاداری اسرائیل به عهد، به بررسی آخرین بخش عمده از کتاب یوشع پرداختیم. دیدیم که چطور هشدارهای عهدی یوشع، مخاطبین اولیه را به ارائه خدمت وفادارانه فرا خواند و نسبت به عدم وفاداری هشدار داد. ما دیدیم که چطور تجدید عهد اسرائیل به مخاطبین اولیه نشان داد که چگونه باید عهدشان با خدا را در روزگار خودشان نیز تجدید کنند. و همچنین توجه کردیم که چطور کاربرد مسیحی این بخش از کتاب یوشع باید ریشه در روش‌هایی داشته باشد که مسیح به هدف وفاداری به عهد اسرائیل در تاسیس، تداوم، و تکمیل پادشاهی خود عمل می‌کند.

آخرین بخش از کتاب یوشع، اهمیت کل این کتاب را برای مخاطبین اولیه آن آشکار کرد. خدا قوم خود را با یک فتح پیروزمندانه برکت داده، و به اسباط اسرائیل سهم ماندگار میراث‌شان را بخشیده بود. و این جلوه‌های سخاوتمندی الهی باید مخاطبین اولیه کتاب ما را به سوی پاسخی با وفاداری به عهد سوق می‌دادند. داوری خدا گریبانگیر کسانی خواهد شد که با ایمان و خدمت به او پاسخ ندهند. اما پاداشی عظیم در انتظار آنانی است که با سرسپردگی فروتنانه به رحمت خدا پاسخ می‌دهند. و همین، در مورد من و شما نیز صدق می‌کند. ما در مسیح، عالی‌ترین جلوه فیض خدا را دیده‌ایم. خدا پیروزی ابدی و میراثی ابدی در آسمان جدید و زمین جدید به ما می‌دهد. و این امکان برای همه کسانی که با ایمان نجات‌بخش به سوی نجات‌دهنده می‌آیند، محقق خواهد شد.

واژه‌نامه

آباد: فعل عبری به معنای کار کردن یا خدمت.

آبار: فعل عبری دارای معانی مختلف، از جمله: عبور از رو یا طریق چیزی؛ دور کردن یا بردن؛ تخطی کردن.

ابراهیم: پاتریارک عهد عتیق، پسر تارح، پدر قوم اسرائیل که خدا در باب‌های ۱۵ و ۱۷ پیدایش با او عهد بست و به او وعده نسل‌های بی‌شمار و یک سرزمین ویژه داد.

ارتداد: سرکشی علیه خدا بعد از اعتراف ایمان؛ انکار کلی ایمان، مذهب، یا اصول از سوی یک فرد.

کنعانیان: قومی از نوادگان کنعان، پسر حام، که پیش از فتح سرزمین کنعان به دست یوشع، در آنجا زندگی می‌کردند.

کرانه باختری: زمین‌هایی در غرب رود اردن که خداوند به عنوان میراث به اسرائیل وعده داده بود.

تکمیل: سومین و آخرین مرحله از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ زمانی که مسیح باز خواهد گشت و هدف نهایی خدا برای تمام تاریخ را محقق خواهد کرد.

تداوم: مرحله دوم یا میانی از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ دوره پادشاهی خدا بعد از ظهور اولیه مسیح و پیش از پیروزی نهایی او.

عهد: یک قرارداد حقوقی الزام‌آور که بین دو فرد یا گروهی از مردم، یا بین خدا و شخص یا گروهی از مردم منعقد شده باشد.

داوود: دومین پادشاه اسرائیل در عهد عتیق که وعده یافت نوه او بر تخت پادشاهی وی خواهد نشست و تا ابد حکمرانی خواهد کرد.

برادران کذب: غیر ایماندارانی که درون کلیسا هستند.

تاسیس: مرحله اول در آخرت‌شناسی آغاز شده؛ به اولین ظهور مسیح و خدمات رسولان و انبیای او اشاره می‌کند.

یوشع: راهبر اسرائیل بعد از مرگ موسی که اسرائیل را به سرزمین وعده هدایت کرد، و میراث سبطی اسرائیل را با صداقت بین آنها تقسیم کرد.

لاویان: افراد قبیله لاوی؛ به عنوان کاهنان به قوم اسرائیل خدمت می‌کردند.

ماشیح: واژه‌ای عبری به معنای «مسح‌شده»؛ پادشاه بزرگ از نسل سلطنتی داوود که گذار از این عصر به عصر آینده را همراه خود می‌آورد؛ در یونانی «کریستوس» ترجمه شده است.

موسی: نجات‌دهنده و نبی عهد عتیق که اسرائیلیان را در خروج از مصر هدایت کرد؛ مردی که خدا با او «عهد شریعت» ملی را منعقد کرد و کسی که ده فرمان و کتاب عهد را بر اسرائیلیان اعمال کرد؛ همچنین در تبدیل هیئت عیسی همراه الیاس ظاهر شد.

ناخالا: اسم عبری به معنای «میراث»

عهد تازه: عهد تحقق در مسیح؛ اولین بار در ارمیا ۳۱: ۳۱ به آن اشاره شد.

سرزمین وعده: سرزمینی که خدا وعده داد به عنوان میراث به ابراهیم و نوادگان او ببخشد.

شکیم: شهری واقع در نزدیکی کوه ایبال و کوه جرزیم، جایی که ابراهیم اولین قربانگاه خود را در زمین

کنعان ساخت و اسرائیل در زمان یوشع عهد خود را در آن محل با خدا تجدید کردند.

شیلوه: شهری در قلمرو افرایم و جایی که یوشع نزدیک زمان مرگ خود در آنجا یک گردهمایی برپا کرد،

و همچنین جایی که سموئیل وقف خدمت خداوند شد.

ماوراءالنهر: زمین‌های شرق رود اردن که اسباط رثوبین، جاد و نیمی از سبط منسی در آنجا اجازه سکونت

پیدا کردند.